

Al-Jihād fī Sabīl Allāh: the Formation of the Idea at the Beginning of Islam



Ashraf Montazeri 

Member of the Department of Islamic Theology, Farhangian University, Tehran, Iran
(a_montazeri4335@yahoo.com).

Abstract

An overview of the numerous uses of the term *Sabīl Allāh* in the *Qurʾān* shows that this concept has gone through different semantic paths and undergone semantic changes to be established in Islamic culture. Understanding these semantic changes is possible by reviewing the Qurānic exegesis and Islamic traditions. In this study, we are going to examine the stages of semantic evolution of the concept of *Sabīl Allāh* in the era of its formation. The obtained results show that *Sabīl* was first used in the concept of a vague path as a term of transportation, then it found the meaning of a way and also a way of life in the Quraʿic vocabulary, then the migration of Muslims from Mecca to Medina, which was a movement along the same vague path, was called a movement in *Sabīl Allāh*. In a later stage, the desirable way of life of a Muslim was represented as a movement in such a vague path, which was known as the *Sabīl Allāh*. In order to be placed in this divine *Sabīl*, Muslims had to face difficulties such as being persecuted, emigrating, spending their wealth, doing Jihād, and finally being killed in such a way by the enemies of their religion. After the stabilization of the Islamic society by the prophetic migration, the idea of Jihad in the way of God was also formed based on the same idea of the *Sabīl Allāh* to mean the sum total of sincere efforts that a person should make with a divine purpose.

Keywords: *Sabīl Allāh*, Hijrah, al-Infāq, Islamic Jihad, History of Ideas.

Review Paper


Received: 21/ 7/ 2022, accepted: 29/ 12/ 2022, and published: 29/ 12/ 2022, Pages: 207-228.

Publisher: Mashhad Faculty of University of Quranic Theology and Awareness.

Print ISSN: 2783-5294

Online ISSN: 2783-5308

Open access in web address: <<http://naghdeara.quran.ac.ir>>

 DOR: 20. 1001. 1. 52942783. 1401. 3. 1. 9. 2

NOTE: Latin transliteration of the bibliography is included in the final pages of this article.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل‌گیری انگاره جهاد فی سبیل‌الله در صدر اسلام

اشرف منتظری

مربی گروه معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران
(a_montazeri4335@yahoo.com)

چکیده

یک بررسی اجمالی کاربردهای پرشمار اصطلاح سبیل‌الله در قرآن بیانگر این است که این مفهوم برای تثبیت در فرهنگ اسلامی مسیرهای معنایی مختلفی را طی کرده و دچار تحولات معنایی شده است. شناخت این تحولات معنایی با مرور آراء تفسیری و روایات امکان‌پذیر است. در مطالعه کنونی بنا است مراحل تحول معنایی انگاره سبیل‌الله را در عصر شکل‌گیری آن بررسی کنیم. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد سبیل نخست به مفهوم مسیری مبهم به‌سان اصطلاحی ترابری به کار می‌رفت، سپس در واژگان قرآنی معنای راه و روش زندگی پیدا کرد، سپس هجرت مسلمانان از مکه به مدینه که حرکتی در همین مسیر مبهم بود جنبشی در سبیل‌الله نام گرفت. در مرحله‌ای بعد، شیوه زندگی مطلوب یک مسلمان به مثابه حرکتی در چنین مسیری که تحت عنوان سبیل‌الله شناخته می‌شد بازنموده شد. مسلمانان برای فرارگرفتن در این سبیل الهی می‌بایست با دشواری‌هایی هم‌چون آزار دیدن، هجرت کردن، خرج کردن دارایی، جهاد کردن، و درنهایت نیز کشته شدن در چنین راهی روبه‌رو می‌شدند. پس از آن‌که با هجرت نبوی جامعه اسلامی تثبیت شد، انگاره جهاد در راه خدا نیز برپایه همین انگاره سبیل‌الله، و به معنای مجموع تلاش‌های خالصانه‌ای که شخص باید با هدف الهی به انجام رساند شکل گرفت.

کلیدواژه‌ها: سبیل‌الله، هجرت، انفاق، جهاد، تاریخ انگاره‌ها.

مقاله ترویجی

دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۹، پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۳، نشر: ۱۴۰۱/۱۰/۱۳، صفحه ۲۰۷ تا ۲۲۸.

ناشر: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (دانشکده علوم قرآنی مشهد)

شاپای چاپی: ۵۲۹۴-۲۷۸۳

شاپای الکترونیکی: ۵۳۰۸-۲۷۸۳

دسترسی آزاد: پایگاه اینترنتی <<http://naghdeara.quran.ac.ir>>

DOR: 20. 1001. 1. 52942783. 1401. 3. 1. 9. 2

درآمد

واژه سبیل از پرکاربردترین واژه‌ها در قرآن کریم است که به صورت مفرد و جمع و در معانی مختلف به کار رفته است. لغویان آن را مترادف با واژگان طریق و صراط شناسانده‌اند. تعبیر سبیل به تنهایی در اصطلاحات فرهنگ اسلامی هم چون مفهومی مستقل شناخته نمی‌شود؛ بل که با هم‌نشینی کلمه الله و در قالب اصطلاحات پرشماری هم چون هجرت فی سبیل الله، انفاق فی سبیل الله، جهاد فی سبیل الله و قتل فی سبیل الله به کار می‌رود.

نکته مهم این است که در کاربردهای قرآنی، هرگاه سبیل الله با پیشوند فی هم‌نشین بوده، بودن شخص در مسیر الله را رسانده، و هرگاه با پیشوند عن هم‌نشین یافته، روی‌گردانی از مسیر الهی را باز نموده است. در نقطه مقابل سبیل الله، هم‌نشینی واژه سبیل با طاغوت، مجرمین و مفسدین خط فکری مقابل الله را شناسانده است (بنگرید به: انعام/ ۵۵؛ اعراف/ ۱۴۲؛ احزاب/ ۴).

مثل همه مفاهیم مهم قرآنی دیگر، سبیل الله از نگاه عموم مسلمانان مفهومی مهم و تأثیرگذار بر شکل‌دهی رفتار فردی و اجتماعی تلقی می‌شود. تعبیر قرآنی فی سبیل الله از تعبیری است که در فرهنگ اسلامی جایگاه والایی به خود اختصاص داده است. هم‌چنان‌که در آیات قرآن کریم تعبیری هم چون انفاق فی سبیل الله، هجرت فی سبیل الله، جهاد فی سبیل الله و جز آن‌ها بسیار آمده، در آموزه‌هایی دینی و فرهنگی متأخرتر نیز، هر امری که به گسترش و توسعه اسلام کمک کند مصداقی از حرکت فی سبیل الله بیان شده است.

چنان‌که مفسران گفته‌اند سبیل الله آن شیوه زندگی است که فرد را به سوی ثواب و رحمت خدا رهنمون باشد (طبرسی، مجمع البیان، ۲/ ۱۲۱، ۲۳۸). هر امری که به رضایت خدا منتهی شود یا هر عملی که برای حصول غرضی دینی انجام گیرد حرکتی در سبیل الله است (طباطبایی، المیزان، ۲/ ۴۳۱). مفسران گفته‌اند حرکت در سبیل الله گرچه سختی و مشکلاتی به هم‌راه دارد، چون موافق روح و جان افراد باایمان است مسیری آسان و گوارا است. از همین رو، مؤمنان داوطلبانه و آشکارا از آن استقبال می‌کنند؛ هر چند سرانجامش شهادت باشد (مکارم، تفسیر نمونه، ۲/ ۱۹).

در مورد قید فی سبیل‌الله در هم‌نشینی با جهاد نیز گفته‌اند برای این است که دین الهی که مایهٔ صلاح دنیا و آخرت مردم است در عالم سلطه یابد (طباطبایی، *المیزان*، ۲/ ۴۳۲). از این منظر، کوششی که دارای ارزش است و سعادت آدمی را در پی دارد همان است که با تعبیر فی سبیل‌الله به آن اشاره شده است؛ همان که در معارف اسلامی از آن تعبیر به الهی بودن هدف و مسیر حرکت کرده‌اند (هاشمی، *تفسیر رهنما*، ۳/ ۱۱۰).

طرح مسئله

جای تأمل دارد که چرا در فرهنگ اسلامی برای اشاره به معنای سبک زندگی ویژهٔ یک مسلمان از تعبیر جهاد سبیل‌الله بهره گرفته شد. در کوشش برای پاسخ به این پرسش لازم است کاربردهای سبیل در فرهنگ عصر نزول را از دوره‌ای پیش از آن که اصطلاحی دینی باشد تا دورهٔ تثبیت اصطلاح در معنای دینی آن مرور کنیم. مطالعهٔ کنونی با همین هدف دنبال می‌شود. می‌خواهیم با مرور کاربردهای تعبیر در عصر نزول، نحوهٔ شکل‌گیری این مفهوم قرآنی و سیر تحول معنای این اصطلاح در زبان عربی را مرور، و عوامل دخیل در این سیر تحولات را هم بازشناسیم.

تاکنون کوشش‌هایی برای بازشناسی معنای اصطلاحی سبیل در فرهنگ عربی عصر پیش از نزول قرآن کریم صورت گرفته است (بنگرید به: شیرزاد، سجادی، حاجی‌علی، سراسر هرسه مقاله). چنان‌که در این مقالات بازنموده می‌شود، سبیل در عصر نزول اصطلاحی مرتبط با ترابری و بوده، و بر راهی مبهم و فرضی که نشانی در زمین ندارد و در آسمان بر اساس حرکت ستارگان باید جسته شود دلالت می‌کرده است.

بر اساس مطالعات کنونی نمی‌توان دریافت چرا از میان تعابیر فراوان موجود در زبان عربی، باید چنین تعبیری برای اشاره به سبک زندگی مطلوب از نظر خدا به کار گرفته شود. جا دارد پرسیم که: اولاً، مفهوم قرآنی جهاد فی سبیل‌الله در کدام دوره از رسالت پیامبر (ص) شکل گرفت؛ ثانیاً، شکل‌گیری این مفهوم تحت تأثیر چه عواملی و در پیوند با چه مفاهیم دیگری روی داد؛ ثالثاً، چه فرضیه‌ای می‌توان برای مراحل تدریجی شکل‌گیری این انگاره بازنمود.

۱. مرور آراء دربارهٔ مفهوم سبیل

برای پاسخ به این پرسش‌ها نخست کاربردهای سبیل در قرآن را مرور می‌کنیم، بعد به موارد

کاربرد مفهوم سبیل الله در قرآن می‌پردازیم، سپس نمونه‌های کاربرد جِهَادِ فی سبیل الله را مرور می‌کنیم، سپس می‌کوشیم فرضیه‌ای برای شکل‌گیری تدریجی مفهوم ارائه کنیم.

۱-۱) مرور مفاهیم مشابه در قرآن

واژه سبیل از واژه‌های پرکاربرد در قرآن است. در ۱۵۶ آیه به تعداد ۱۸۱ بار به صورت مفرد و جمع و در معانی مختلف تکرار شده است. از نظر لغوی سبیل به معنای نوعی راه است و آن را مترادف با طریق و صراط شناسانده‌اند. گفته‌اند سبیل از واژه‌هایی است که مذکر و مؤنث آن یکی است (صاحب بن عباد، *المحیط*، ۸/ ۳۳۰). گاهی هم سبیل را راهی دانسته‌اند که گذر از آن به آسانی صورت می‌گیرد (راغب اصفهانی، *مفردات*، ۳۹۵).

براین اساس سبیل نیز مانند طریق به معنای راه است. البته، برخی میان سبیل و طریق فرق نهاده، و گفته‌اند که طریق راهی است که با پا پیموده می‌شود. نیز تعبیر «أَسْرِبِ بِعِبَادِي فَاصْرِبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا» (طه/ ۷۷) را هم حاکی از خشکاندن دریا و راه‌پیمایی قوم موسی (ع) با پای پیاده دانسته‌اند (راغب اصفهانی، همان‌جا). گفته‌اند که طریق نیز مانند سبیل مذکر و مؤنث آن یکی است (ازهری، *تهذیب اللغه*، ۱/ ۹).

دیگر واژه‌ای که لغویان مسلمان میان آن با سبیل مشابهت یافته‌اند صراط است. ایشان صراط را هم به معنی طریق گرفته‌اند (جوهری، *الصاحح*، ۳/ ۱۱۳۹)، هم به معنای راه مستقیم (راغب اصفهانی، *المفردات*، ۳۹۵). نیز آن را مسیر و مقصد معنا نموده‌اند (ابن‌درید، *جمهره اللغه*، ۳۱۰). برخی متأخران هم گفته‌اند که صراط به راه آشکار وسیع اطلاق می‌شود؛ ولی سبیل عام است و هرگونه راهی را دربر می‌گیرد (قریشی، *قاموس قرآن* ۴/ ۱۲۳).

براین پایه، هرچند سبیل، طریق و صراط به معنای راه اند و از نظر معنا به هم نزدیک اند، اما تفاوت‌هایی نیز با یکدیگر دارند. صراط در کاربرد قرآنی در ۳۴ آیه هم‌نشین با واژه مستقیم، یعنی در ترکیب *الصراط المستقیم* آمده است. خود این ترکیب نیز ۲۰ بار به مشتقات فعلی *هُدًی* و نیز با صفت *العزیز الحمید* هم‌نشین شده است (ابراهیم/ ۱؛ حج/ ۲۴؛ سبأ/ ۶). این باهم‌آیی نشان می‌دهد که صراط راهی استوار و بااستقامت است.

صراط در اکثر آیات قرآن در معنای راه خدا یعنی دین حق و شریعت حق به‌کار رفته است. باین حال، در بعضی از آیات نیز، منظور از آن راه معمول است؛ مثلاً در «وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ

صراط تُوَعَّدُونَ وَ تَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» (اعراف/ ۸۶؛ نیز، بنگرید به: ملک/ ۲۲؛ صفات/ ۲۳). طبرسی می‌نویسد:

صراط مستقیم یعنی راه روشن که همان دین اسلام است. اگر دین صراط نامیده شده به خاطر این است که به بهشت منتهی می‌شود؛ همان‌گونه که صراط و راه مستقیم رونده‌اش را به مقصد و هدف می‌رساند. به دین صراط هم گفته می‌شود؛ زیرا سالکش را به بهشت می‌رساند، هم‌چنان‌که صراط رونده‌اش را به مقصد می‌رساند (طبرسی، *جوامع الجامع*، ۹/۱).

نیز در آیه «يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ» (احقاف/ ۳۰) به نظر می‌رسد که منظور از طریق مستقیم همان صراط مستقیم باشد.

نکته مهم دیگر این‌که صراط مفرد است و جمع ندارد؛ اما سبیل و طریق جمع بسته می‌شوند. جمع طریق در تعبیری مثل «سَبَعَ طَرِيقٍ» (مؤمنون/ ۱۷) یا «كُنَّا طَرِيقَ قَدَادًا» (جن/ ۱۱)، و جمع سبیل در «فَأَسْأَلُكَ سُبُلَ رَبِّكَ» (نحل/ ۶۹) دیده می‌شود. به همین سبب گفته‌اند سبیل به معنای راه است؛ اعم از هر گونه راهی، چه راه ضلالت چه راه هدایت یا راه معمول (قرشی، *قاموس قرآن*، ۳/ ۲۲۴).

شاید بتوان گفت صراط بزرگ‌راهی است که همه راه‌های فرعی به آن منتهی می‌شود. می‌توان از آیاتی برای این معنا مثال آورد. مثلاً در *قرآن کریم* گفته می‌شود:

قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ * يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَ يُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَ يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (مائده/ ۱۵-۱۶).

ترجمه: از ناحیه خدا به سوی شما نوری و کتابی روشن آمد که خدا به وسیله آن هرکس را که در پی خشنودی او باشد به سبیل‌های سلامت راه‌نمائی، و به اذن خود از ظلمت‌ها بسوی نور بیرون، و به سوی صراط مستقیم هدایت‌شان می‌کند.

در جای دیگر نیز گفته می‌شود:

وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (انعام/ ۱۵۳).

ترجمه: این راه مستقیم من است، از آن پیروی کنید! و از راه‌های پراکنده (و انحرافی) پیروی نکنید که شما را از طریق حق، دور می‌سازد!

با توجه به تعاریف فوق می‌توان گفت: صراط به معنی شاه‌راه، راه اصلی و آشکار، سبیل به

معنای راه آسان و هموار، و طریق به معنای راهی است که پیاده می‌توان در آن حرکت کرد.

۲-۱) سبیل به مثابه اصطلاحی ترابری

مطالعه معناسانانه پاکتچی همین فهم از کاربرد قرآنی سبیل را تأیید می‌کند. برپایه این مطالعه، سبیل در بافت نزول قرآن به راهی نامتعیین و نامشخص و ازپیش‌ناموجود اطلاق می‌شده است: در شرایط محیطی نامساعد شبه جزیره عربستان عملاً امکان احداث جاده‌های روسازی شده فراهم نبود. اگر جاده‌ای هم بر اثر آمدوشد بسیار پدید می‌آمد، با وزش بادهای سهمگین در زیر توده‌های شن پنهان می‌شد. از این رو عرب‌ها در آستانه ظهور اسلام برای انتقال از نقطه‌ای به نقطه دیگر به کمک راه‌بَلَدانِ خِبره از مسیرهای نامتعیین و نامشخص استفاده می‌کردند؛ مسیرهایی که غالباً بر اساس موقعیت ستارگان در آسمان شناخته می‌شد؛ نه بر اساس نشانه‌هایی آشکار بر زمین. به این راه‌ها سبیل اطلاق شد (پاکتچی، «معناسناسی تاریخی و فرهنگی سبیل در قرآن کریم»، ۹۰-۹۱).

از این منظر، سبیل برخلاف تعریفی که پیش‌تر یاد شد هرگز به معنای راه آسان و هموار نیست؛ بل که راهی نامتعیین و دیریاب است. سبیل راه از قبل مشخص شده‌ای نیست؛ ولی راهی است که به آسانی ایجاد می‌شود و از این رو، تعدد و تنوع آن بسیار است. با مرور کاربردهای قرآنی سبیل می‌توان مؤیداتی برای همین نگرش یافت. سبیل در قرآن، مصادیق مختلفی از راه‌ها را دربر می‌گیرد. یک معنای آن راه زمینی است. تعبیر سُبُل - جمع سبیل - در آیاتی از قرآن - (نحل / ۱۵؛ طه / ۵۳؛ زخرف / ۱۰) به قرینه هم‌نشینی با الْأَرْضِ به معنای راه‌های زمینی است. در آیاتی دیگر نیز (انبیاء / ۳۱؛ نوح / ۲۰) به قرینه هم‌نشینی با فِجَاجاً (راه فراخ میان دو کوه) بر یک راه زمینی وسیع دلالت می‌کند. در تعبیری مثل «وَأِنَّهَا لَسَبِيلٌ مُّقِيمٌ» (حجر / ۷۶) نیز به قرینه مقیم دلالت بر مسیری زمینی می‌کند که امکان اقامت کردن در آن هست. گاه نیز در آیات مرتبط با هجرت که در آن‌ها سخن بر سر حرکت از جایی مشخص و رسیدن به هدفی معلوم است به کار می‌رود که باز، آشکارا بر مسیری زمینی دلالت می‌کند:

إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانَ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا
(نساء / ۹۸).

معنای دیگر آن مسیرهای پرواز زنبور عسل است. برپایه قرآن، زندگی زنبور عسل بر اساس

الهام الهی سامان‌یافته، و مسیرها برای پروازش رام و هموار شده است:

ثُمَّ كَلِيَ مِنْ كُلِّ الْتَمَرَاتِ فَاسْأَلْكَ سُبُلَ رَبِّكَ ذُلًّا يُخْرِجُ مِنْ بَطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ
أَلْوَانُهُ (نحل / ۶۹).

ذُلًّا جمع ذُلُول و حال برای کلمه سُبُل است؛ یعنی راه‌هایی را که پروردگارت برای تو تعیین کرده است، در حالی که آن راه‌ها رام تو اند، ببیما. احتمال دیگر آن است که ذُلًّا حال برای ضمیر فاعلی فَاسْأَلْكَ باشد؛ یعنی راه‌های پروردگارت را ببیما، در حالی که تو منقاد و رام فرمان الهی هستی.

سبیل به معنای راه دریایی نیز در قرآن آمده است؛ آن‌جا که در داستان موسی (ع) و عبد صالح سخن از ماهی‌ای می‌رود که مسیری دریایی را طی می‌کند و ناپدید می‌شود:

فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنِهِمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا (کهف / ۶۱).

ترجمه: هنگامی که به محل تلاقی آن دو دریا رسیدند، ماهی خود را (که برای تغذیه هم‌راه داشتند) فراموش کردند. ماهی نیز راه خود را در دریا پیش گرفت.

۳-۱) معناهای یادشده در اقوال مفسران

مفسران در آیات مختلف برای سبیل مصداق متعددی را بیان کرده‌اند. آن‌ها در یادکرد این معانی برای سبیل بیش‌تر به کاربردهای قرآنی تعبیر در معناهای مجازی نظر داشته‌اند. یک معنای سبیل در قرآن از نگاه مفسران توالد و تناسل است. ایشان در تفسیر عبارتی کنایه «تَقَطَّعُونَ السَّبِيلَ» (عنکبوت / ۲۹) که به رفتارهای هم‌جنس‌گرایانه قوم لوط اشاره دارد سبیل را به این معنا گرفته، و از آن ترک مقاربت با زنان را دریافته‌اند (طبرسی، مجمع البیان، ۱۹ / ۴۶؛ نیز، بنگرید به: طباطبایی، المیزان، ۱۶ / ۱۸۲).

مفسران برخی کاربردهای قرآنی تعبیر را نیز به معنای دین و راه حق گرفته‌اند؛ مثلاً در تفسیر:

ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (نحل / ۱۲۵)

گفته‌اند که مقصود از دعوت به سبیل رب دعوت به افعال حسنه (طوسی، التبیان، ۱۶ / ۴۴۰)، دعوت به دین (طبرسی، مجمع البیان، ۳ / ۹۳)، دعوت به اسلام (بیضاوی، التفسیر، ۳ / ۲۴۵) یا دعوت به معارف و احکام دینی (حویزی، نور الثقلین، ۳ / ۹۵) است.

بر پایه دیدگاه برخی مفسران، سبیل در قرآن به خود حق هم اطلاق شده است. مثلاً، در

تفسیر آیه:

مَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكَمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ
(احزاب/ ۴)

گفته‌اند جمله «يَقُولُ الْحَقَّ» می‌تواند قرینه باشد که سبیل به معنای حق است (طباطبایی، *المیزان*، ۱۶/ ۴۱۲). بر همین پایه، دور از انتظار نیست که سبیل در *قرآن* گاه نیز به معنای محصول راه‌پیمایی در راه درست – یعنی به معنای هدایت و راه‌یابی – هم به کار برده شود؛ چنان‌که در تفسیر «وَمَنْ يَضِلَّ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا» (نساء/ ۱۴۳) سبیل را به این معنا حمل کرده‌اند (طباطبایی، *المیزان*، ۵/ ۴۵؛ نیز، بنگرید به: طبرسی، *مجمع البیان*، ۵/ ۲۸۱). یک معنای مجازی دیگر سبیل در *قرآن* از نگاه مفسران راه‌گریز و خلاصی است؛ مثلاً، وقتی درباره زنان زناکار دستور داده می‌شود که در خانه‌هاشان نگهداری شوند تا خدا برای ایشان سبیلی تعیین کند که از حبس خلاصی یابند (نساء/ ۱۵). به طبع منظور از سبیل در این بافت، راهی برای خلاصی از حصر خانگی است (کاشانی، *منهج الصادقین*، ۲/ ۴۴۷؛ شریف لاهیجی، *تفسیر*، ۱/ ۴۴۶).

معنای مجازی دیگر از این قبیل، سلطه و چیرگی است. آن‌جا که گفته می‌شود «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء/ ۱۴۱) منظور همین است (حسینی همدانی، *انوار درخشان*، ۴/ ۲۴۵). برخی مفسران هم البته سبیل را در این آیه به معنای حجت و برهان گرفته‌اند؛ یعنی هرگز کافران در مقابل مؤمنان حجت و برهان ندارند (طیب، *اطیب البیان*، ۴/ ۲۴۵؛ ثقفی، *روان جاوید*، ۲/ ۱۴۲). بالاخره، باید از این یاد کرد که بر پایه دیدگاه برخی مفسران (مکارم، *تفسیر نمونه*، ۸/ ۸۱)، سبیل در *قرآن* به معنای مؤاخذه کردن و ایراد گرفتن نیز آمده است:

لَيْسَ عَلَى الضُّعَفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (توبه/ ۹۱).
إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ وَهُمْ أَغْنِيَاءُ رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (توبه/ ۹۳).
وَلَمَنْ اتَّبَعَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ * إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (شوری/ ۴۱-۴۲).

۲. مفهوم سبیل‌الله در قرآن

بیش‌ترین کاربرد سبیل در قرآن به شکل ترکیبی سبیل‌الله (راه خدا) است. چنان‌که پیش‌تر نیز یاد شد، در مقابل سبیل‌الله، سبیل الطاغوت (احزاب/ ۴)، سبیل المجرمین و سبیل المفسدین قرار دارد. نیز، با اضافه شدن حرف فی و عن به ترکیب سبیل‌الله دو رویکرد و عملکرد کاملاً متضاد ترسیم می‌شود: ترکیب عن سبیل‌الله با هم نشینی فعل‌های صَدَّ و ضَلَّ به معنای گمراه کردن از مسیر خدا ۲۳ بار در قرآن آمده است. ترکیب فی سبیل‌الله و فی سبیل‌ه با فراخوانی به سوی مسیر خدا ۴۶ بار ذکر شده است. از این‌رو، فی سبیل‌الله از مفاهیم مهم و تأثیر گذار در فرهنگ اسلامی به‌شمار می‌آید.

۱-۲) کاربردهای هجرت فی سبیل‌الله در قرآن

بر پایه آیاتی از قرآن مسافرت کردن هم حرکت در سبیل خدا است. درباره آیه «یا ایها الذین آمنوا إذا ضربتم فی سبیل‌الله فتنبئوا...» (نساء/ ۹۴) گفته‌اند «ضرب فی الارض» همان سفر است (نحاس، معانی القرآن، ۱۷۷/۲). چنین سفری با سبیل‌الله هم‌نشینی یافته است؛ یعنی سبیل‌الله مسیری است که در آن سفر نیز می‌توان کرد. بر پایه آیاتی دیگر، هجرت کردن نیز که مستلزم نوعی سفر و حرکت در مسیر است کوششی در سبیل خدا محسوب می‌شود. در این آیات گفته می‌شود که گاهی اوضاع و شرایط محیطی برای مسلمانان چنان مهیا نیست که بتوانند هم موقعیت خود را حفظ کنند و هم برای گسترش دین خدا تلاش نمایند. از این‌رو، خدا می‌خواهد آنان از وطن خود هجرت کنند و به آن‌ها رحمت خود را وعده می‌دهد:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ
وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (بقره/ ۲۱۸).

در آیه دیگری به این اشاره می‌شود که کافران تلاش می‌کنند افراد باایمان با آن‌ها دوستی ورزند تا از این طریق ایمان آن‌ها را متزلزل سازند. در این حالت به مؤمنان دستور داده می‌شود به سرزمینی دیگر مهاجرت نمایند تا از دوستی با کافران در امان بمانند:

وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّىٰ يَهَاجَرُوا
فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وُلِيًّا
وَلَا نَصِيرًا (نساء/ ۸۹).

به مهاجران در این سبیل هم امید داده می‌شود که به مکان‌های وسیع‌تر و امن‌تری دست می‌یابند؛ هم‌چنان که این وعده نیز داده می‌شود که اگر در مهاجرت خود سختی و رنجی متحمل شوند یا جان‌شان را از دست بدهند، پاداش الهی نصیب خواهند برد:

وَمَنْ يَهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعِمًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (نساء/ ۱۰۰).

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (حج/ ۵۸).

برپایه برخی آیات دیگر نیز، یکی از راه‌هایی که می‌توان با بهره‌جویی از آن مورد عفو و مغفرت الهی قرار گرفت مهاجرت در سبیل خداست:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (بقره/ ۲۱۸).

در جاهایی از قرآن هم آزار و اذیت شدن مؤمنان برای تحقق اهداف دین کوشش‌هایی در همین سبیل شناسانده، و برای قدرشناسی این رنج و سختی‌ها وعده پاک شدن گناهان و ورود به بهشت داده می‌شود:

فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ ديارِهِمْ وَأُؤذُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ (آل عمران/ ۱۹۵).

۲-۲) جهاد فی سبیل الله

جهاد کردن هم از دیگر کارهایی است که فراوان در قرآن با سبیل خدا هم‌نشین شده است. جهاد به معنای تقلا کردن و کوشش فراوان و بی‌حد است. در آیات قبل اشکال مختلفی از کارهای فی سبیل الله یاد شدند: سفر در راه خدا، آزار دیدن در راه خدا، انفاق در راه خدا... به نظر می‌رسد همه فعالیت‌های پیشین در دوره‌ای از فرهنگ اسلامی ذیل عنوان کلی جهاد فی سبیل الله قرار گرفته‌اند. به بیان دیگر، در واقع تحمل سختی‌هایی مثل گرسنگی و تشنگی و در مضیقه قرار گرفتن، و نیز انفاق کردن، هجرت و مسافرت کردن همگی صورت‌هایی از جهاد فی سبیل الله اند.

به هر روی، یک جلوه بارز چنین تلاش خستگی‌ناپذیر و دشواری در سبیل خدا مشارکت‌جویی در جنگ با کافران است. بر پایه قرآن، خدا مستقیماً به مسلمانان امر می‌کند که در جهاد فی سبیل‌الله شرکت نمایند. چنین تأکیدی با بیان‌های متنوع و متفاوتی در قرآن صورت گرفته است (تنها برای برخی نمونه‌ها، بنگرید به: مانده/ ۵۴؛ توبه/ ۱۹، ۲۴، ۸۱). در همین فضا جهاد با مال و جان هم حرکت در سبیل خدا شناسانده می‌شود:

وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (توبه/ ۴۱).

سبب آن است که مال و جان با ارزش‌ترین چیزهایی هستند که انسان‌ها برای داشتن‌شان در دنیا بسیار تلاش می‌کنند. مؤمنان اگر قرار باشد مال و جان‌شان را هم برای اهداف دینی بدهند در واقع در مقابل مسیری سخت قرار گرفته‌اند؛ مسیری که البته انتهای آن خیر است:

تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (صف/ ۱۱).

چنین مسیری را تنها مؤمنان صادق حاضر به پیمودن می‌شوند:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ (حجرات/ ۱۵).

قرار گرفتن در این سبیل هم فضیلت یافتن نسبت به بازماندگان از آن را به ارمغان می‌آورد:

لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَ الْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكَلَّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا (نساء/ ۹۵).

۳-۲) دیگر کاربردهای پراکنده سبیل‌الله در قرآن

باین‌حال، نباید پنداشت که حرکت در سبیل‌الله در قرآن به مشارکت‌جویی در جهاد محدود شده است. چنان‌که پیش از این هم یاد شد، سبیل‌الله در قرآن یک مسیر و یک جهت خاص پیش روی مسلمانان است تا در جریان زندگی خود را هم‌سو و هم‌آهنگ با آن نمایند و به خیر و سعادت برسند. یک نمونه کاربردهای قرآنی سبیل برای اشاره به تحمل گرسنگی و تشنگی در موقعیت‌های دشوار است:

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يَصِيهُمُ ظَمًا وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطُونُ مَوْطِنًا
يَغِيظُ الْكَفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نِيْلًا إِلَّا كَيْتَبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ
أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (توبه/ ۱۲۰).

اشارات آیه یادشده به تشنگی و گرسنگی چه بسا ناظر به موقعیت‌هایی هم چون محاصره سه‌ساله شعب ابی طالب است؛ وقتی مسلمانان قادر به برطرف کردن نیازهای خود نبودند و قریشیان هم راه ورود طعام و آب را بر آنان بسته نگاه می‌داشتند. اینان به قدری دچار سختی بودند که صدای ناله‌شان از بیرون شعب نیز شنیده می‌شد (بلاذری، *انساب الاشراف*، ۱/ ۲۳). نظیر این شرایط را مسلمانان در صدر اسلام بارها پشت سر گذاشتند. در *قرآن* هم این نوع عملکرد مؤمنان را عمل صالح شناسانده، و پاداش نیکوکاری در ازاء آن وعده شد.

در مضیقه قرار گرفتن نیز در *قرآن* کوششی در سبیل خدا معرفی شده است:

لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ
أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِحْفَافًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ
اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (بقره/ ۲۷۳).

بر پایه این آیه، گاهی مؤمنان به خاطر تلاش و مجاهدت در راه خدا چنان در شرایط سخت و دشوار قرار می‌گیرند که قادر به انجام معاملات و کسب درآمد نیستند. آن‌ها علی‌رغم این سختی‌ها به خاطر حفظ عزت نفس خود حاضر نیستند که درماندگی خود را نزد دیگران بیان کنند. از این رو، در *قرآن* هم چون یک وظیفه اجتماعی و نوعی کوشش فی سبیل‌الله به مسلمانان تکلیف می‌شود که با انفاق اموال خود، اینان را یاری نمایند.

در آیات دیگر نیز انفاق کردن حرکتی در سبیل خدا شناسانده می‌شود: «يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (بقره/ ۲۶۱)، «وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (انفال/ ۶۰)؛ «أَنْ تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (محمد/ ۳۸؛ حدید/ ۱۰). حتی هشدار داده می‌شود که اگر مسلمانان به این مهم نپردازند، به دست خود به هلاکت می‌افتند:

وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَ أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ
الْمُحْسِنِينَ (بقره/ ۱۹۵).

گویی انفاق نکردن موجب می‌شود جهاد با دشمنان سامان نیابد و سلطه دشمنان به هلاکت و بدبختی مسلمانان بینجامد.

گاه نیز در قرآن از بسیج شدن در سبیل خدا سخن رفته است: «انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (توبه/ ۳۸). گاه نیز این بسیج شدن با جهاد در سبیل خدا هم‌نشین شده است: «انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (توبه/ ۴۱). در پایان این بحث باید افزود که در آیاتی نیز ایمان آوردن، هجرت، کوشش با مال و جان، پناه‌دهی به مؤمنان مهاجر، یاری‌رسانی به مهاجران و پیامبر (ص) با هم‌دیگر هم‌نشین می‌شوند (انفال/ ۷۲، ۷۴؛ توبه/ ۲۰)؛ گویی سبیل‌الله مسیری است که برای گذار از آن باید از یکایک این گرده‌های دشوار مسیر گذشت.

۳. سیر تحول مفهوم جهاد فی سبیل‌الله در عصر نزول

از آن‌چه گفته شد می‌توان دریافت مفهوم سبیل معنای بسیار گسترده‌ای را در برمی‌گیرد و به هر جور تلاشی برای تحقق اهداف دین اطلاق می‌شود؛ تلاشی که البته با دشواری هم‌راه است. جا دارد پرسیده شود چه ارتباطی است میان اشاره‌های قرآن به سبیل خدا و دشواری‌هایی که به تدریج در صدر اسلام و در مراحل مختلف تثبیت جامعه اسلامی پدید آمدند.

۳-۱) سبیل به مثابه روش زندگی

برخی کاربردهای مدنی سبیل‌الله در قرآن ضمن بافت‌هایی است که در آن‌ها مناظراتی با مشرکان دنبال می‌شود؛ مثلاً آن‌جا که مشرکان تهدید می‌شوند:

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَنْ يَرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُّذِقْهُ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ (حج/ ۲۵).

به طبع مراد از جمله «فَالَّذِينَ كَفَرُوا» مشرکان مکه است که به نبوت پیامبر (ص) کفر ورزیدند و در اول بعثت، یعنی قبل از هجرت، مانع از گرویدن مردم به اسلام می‌شدند. بازداشتن از سبیل خدا در هم‌نشینی با مسجدالحرام نیز لابد به معنای بازداشتن مسلمانان از ورود به مسجدالحرام برای عبادت است (مقایسه کنید با: طباطبایی، المیزان، ۵۱۷/۱۴ که این‌دو را رفتارهایی در عرض هم‌دیگر می‌انگارد). اگرچنین تحلیلی درست باشد به آن معناست که اصطلاح «سبیل‌الله» احتمالاً در دوره پیش از اسلام هم برای اشاره به مسیرهای حج کاربرد داشته است.

به‌هرحال، در آیاتی مکی، سبیل به معنای راه و روش زندگی استعمال شده است؛ مثلاً: «وَلَا تَتَّبِعَنِ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (یونس/ ۸۹)، «لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِنْ

سَبِيلٌ» (شوری/ ۴۴)، «وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ» (لقمان/ ۱۵)، «فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا» (اسراء/ ۴۸؛ فرقان/ ۹). همین کاربرد تعبیر البته در دوران مدنی هم امتداد پیدا می‌کند و منقطع نمی‌شود (برای نمونه، بنگرید به: نساء/ ۱۱۵؛ انعام/ ۵۵؛ اعراف/ ۱۴۶). سبیل در این آیات به معنای مسیر زندگی است؛ خواه مسیر درست باشد یا فرد را به هلاکت بکشاند.

۲-۳) هجرت به مثابه حرکتی در سبیل خدا

از سال‌های آغازین بعثت نبوی به تدریج آزار مسلمانان گسترش یافت (بنگرید به: ابن‌هشام، السیره، ۱/ ۱۹۶). این مشکلات سبب شد مسلمانان به فکر هجرت بیفتند. در هجرت اولیه شمار قابل‌ملاحظه‌ای از مسلمانان به حبشه مهاجرت کردند. برخی تنها و برخی به همراه خانواده خود حرکت کردند تا این‌که وارد سرزمین حبشه شدند. برخی از ایشان پس از مدتی به مکه برگشتند؛ اما بعد از مراجعت، مشرکان بیش‌تر بر آنان سخت گرفتند. پیامبر (ص) به آنان اجازه داد تا برای بار دوم به حبشه مهاجرت کنند. هجرت دوم مسلمانان به حبشه با مشقت بیش‌تری همراه بود و از قریش خشونت بیش‌تری دیدند (بنگرید به: ابن‌سعد، الطبقات، ۱/ ۲۰۳).

شماری از این مسلمانان شرایط آزاردهنده مکه را پذیرفته بودند و ترجیح می‌دادند که در دیار خود بمانند؛ اما در قرآن نکوهش شدند:

إِنَّ الدِّينَ تَوْفَاقُهُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَ سَاءَتْ مَصِيرًا (نساء/ ۹۷).

این‌گونه، اندیشه هجرت به دیاری دیگر در میان مسلمانان قوت گرفت و به تدریج مقدمات هجرت به مدینه فراهم شد؛ گرچه البته بودند گروهی مستضعف که نه می‌توانستند به هجرت بروند و نه تحمل آزار مشرکان برای‌شان آسان بود. از این‌رو، استثناء حکم پیشین قرار گرفتند و عذرشان موجه دانسته شد:

إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانَ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا (نساء/ ۹۸).

مفسران به نقل از مجاهد و قتاده و دیگران تابعین درباره «وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا» چنین آورده‌اند که

سبب ضعف این مستضعفان آن بود که راه را نمی‌شناختند و نمی‌توانستند به تدبیری خود را به مدینه برسانند (طبرسی، *مجمع البیان*، ۶/۷).

به ترتیب، هر روز بر شمار مؤمنان در مکه افزوده می‌شد و اذیت و آزارهای مشرکان هم فزونی می‌گرفت. آن‌ها که استقامت مسلمانان را دیدند برای آزار و اذیت بیشتر، آن‌ها را عملاً وادار کردن از سرزمین و دیارشان خارج شوند:

الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ... (حج/۴۰).

این‌گونه، از اموال و هستی خود چشم پوشیده، گرفتار فقر و تنگ‌دستی راهی دیار غربت شدند: عده‌ای نخست به حبشه رفتند و جمعی نیز مقارن هجرت پیامبر (ص) راه مدینه گرفتند (طباطبایی، همان‌جا).

در طی این مهاجرت عده‌ای از مسلمانان جان باختند. از این‌رو، این مهاجرت کردن با دشواری پیوند خورد. در *قرآن* هم حرکت در مسیر هجرت مصداقی از پویش سبیل الهی شناسانده شد:

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا * لَيُدْخِلَنَّهُمْ مُدْخَلًا يَرْضَوْنَهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ (حج/۵۸-۵۹).

آن عده‌ای که موفق به مهاجرت شدند نیز، به خاطر گسترش دین خدا از مال و دارایی‌های خود گذشتند، زندگی متدینانه و هم‌راه با سختی را تحمل کردند، و صداقت خود را در ایمان آوردن به خدا به اثبات رساندند. در آیاتی از *قرآن* به اینان و فقرشان اشاره می‌شود:

لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ (حشر/۸).

مفسران گفته‌اند که منظور آن مستمندان و تهی‌دستان مهاجری است که از مکه به مدینه، و از دارالحرب به دارالاسلام هجرت نمودند (طبرسی، *مجمع البیان*، ۲۴/۳۲۸). گذشته از احکامی برای اصلاح وضع معاش دنیوی این مهاجران، وعدهٔ پاداش اخروی نیز به ایشان داده شد:

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ لَآجُرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (نحل/۴۱).

۳-۳) وقوع جنگ‌ها و ضرورت‌یابی قتال فی سبیل‌الله

وقتی عده‌ای به خاطر ناتوانی و نداشتن شرایط مهاجرت در مکه مانده بودند و تحت آزار

مشركان قرار داشتند و نمی توانستند خود را نجات دهند، كوشش برای نجات آن‌ها در قرآن هم چون وظیفه دیگر مسلمانان یاد، و هم چون مصداق دیگری برای سبیل الهی معرفی شد:

وَ مَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا (نساء/ ۷۵).

این گونه، از مسلمانان خواسته شد برای رها کردن این دربندماندگان مستضعف به جنگ با مشركان بروند. اجازه این جنگ نیز برای آن صادر شد که این مسلمانان مستضعف مظلوم واقع شده بودند:

أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَ إِنْ اللَّهُ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ (حج/ ۳۹).

گفته اند این اولین آیه ای است که درباره قتال نازل شد (طبری، جامع البیان، ۱۷/ ۱۲۳). پس از نزول این آیه بود که بر مسلمانان تکلیف شد که با دشمنان به جنگ پردازند. این گونه، حرکت در سبیل الهی باز شکلی جدی تر و دشوارتر به خود گرفت: قتال فی سبیل الله. دشواری چنین کوششی چنان بود که مسلمانان از مبادرت به آن اکراه داشتند:

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَ هُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَ عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ عَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (بقره/ ۲۱۶).

جای دیگری از قرآن هم برای تحریض و تشویق بیش تر گفته می شود:

وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (بقره/ ۲۴۴).

در این آیه علاوه بر تشویق یک نوع هشدار هم وجود دارد: هشدار از این که اگر در جنگ با کافران کوتاهی کنند بدانند که خدا به اعمال و نیات آن‌ها آگاه خواهد بود. در آیات دیگری نیز برای تثبیت ارزش جهاد فی سبیل الله در اندیشه مؤمنان، جهادگران این سبیل محبوب خدا شناسانده می شوند:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانَتْهُمْ بُيُوتًا مَرْضُوضًا (صف/ ۴).

هم چنان که مجاهدان فی سبیل الله برترین گروه مؤمنان معرفی می شوند:

فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَ كُلًّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا (نساء/ ۹۵).

۴-۳) شکل گیری مفهوم جهاد فی سبیل الله

به تدریج در قرآن مجموع کوشش های شخص مؤمن در مسیر زندگی اش کنار هم دیده شدند

و ایمان آوردن، دوری جستن از عزیزان به خاطر اعتقادات دینی، آزار دیدن از دشمنان دین، هجرت، خرج کردن از مال برای اهداف دینی، قتال با مشرکان، و گذشتن از جان همه با هم به سان جهاد فی سبیل الله یا همان کوشش در راه خدا شناسانده شدند:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ... (بقره / ۲۱۸)؛
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ (مانده / ۳۵)؛
 الَّذِينَ آمَنُوا يَفْعَلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ (نساء / ۷۶)؛
 وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ... (انفال / ۷۴)؛
 الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ (توبه / ۲۰)؛
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ (توبه / ۱۲۳)؛
 تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ (صف / ۱۱).

این‌گونه، سبیل الهی در مسیر نهایی تثبیت مفهومی قرار گرفت؛ مسیری که کوشش‌های مختلف در آن اشکال متنوعی داشت و اوج تقلاها در آن با کشته شدن در راه خدا به اوج می‌رسید:

وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ (بقره / ۱۵۴).
 وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزَقُونَ (آل عمران / ۱۶۹).
 وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ (محمد / ۴).
 وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ (آل عمران / ۱۵۷).

نتیجه

در این مطالعه کوشیدیم نشان دهیم که اصطلاح قرآنی جهاد فی سبیل الله چه‌گونه شکل گرفت. برپایه دستاوردهای این مطالعه، سبیل در فرهنگ عصر نزول اصطلاحی ترابری بود و به گونه‌ای از راه اطلاق می‌شد که نشانه‌هایی مشخص نداشت و برپایه استنباط راه‌بلدان باید پیموده می‌شد. نیز، گاه به معنای روش انجام کارها، چاره، حيله، و سبک زندگی به کار می‌رفت. احتمالاً تعبیر سبیل الله نیز برای مشرکان شناخته بود و به مسیرهایی اطلاق می‌شد که باید اشخاص برای زیارت کعبه یا گزاردن حج بپیمایند.

با ظهور اسلام و ضرورت یافتن هجرت مسلمانان به جایی خارج از مکه، خواه حبشه یا مدینه، به تدریج تشویق به این جابه‌جایی با فراخوانی مؤمنان به حرکت در سبیل الله هم‌راه شد.

پس از هجرت نیز، مفهوم سبیل‌الله به بقاء خود در فرهنگ اسلامی ادامه داد و مصادیق مختلف دیگری نیز یافت؛ آن‌سان که هرگونه اقدام متدینانه تلاشی در سبیل‌الله بازنموده شد. چنین اقدامی در گذر سال‌ها انواع تلاش‌های مؤمنان را از گذشته‌های دور ظهور اسلام تا اواخر دوره مدنی دربر می‌گرفت؛ کوشش‌هایی مثل ایمان آوردن و با عقائد آباء و اجدادی دریافتن، بریدن از عزیزان به خاطر باور دینی، آزار دیدن، هجرت کردن، در مسیر هجرت جان باختن، برای آزادی مستضعفان تلاش کردن، به مؤمنان پناه دادن، از اموال خود برای خدا خرج کردن، و جنگ با مشرکان، و بالاخره، در نهایت کشته‌شدن در این راه. مجموع این تقلاهای فراوان در قرآن کریم جهاد فی سبیل‌الله نامیده شد.



منابع

- ۱- قرآن کریم، اصل عربی؛ نیز، ترجمه فارسی ناصر مکارم شیرازی، قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
- ۲- ابن درید، محمد بن حسن، *جمهرة اللغة*، به کوشش رمزی منیر بعلبکی، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۸۷ م.
- ۳- ابن سعد، محمد، *الطبقات*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ ق.
- ۴- ابن منظور، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.
- ۵- ابن هشام، عبدالملک، *السيرة النبویه*، به کوشش مصطفی سقا و دیگران، قاهره، چاپ‌خانه حلبی، ۱۴۱۱ ق.
- ۶- ازهری، محمد بن احمد، *تهذیب اللغة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۲۰۰۱ م.
- ۷- بلاذری، احمد بن یحیی، *انساب الاشراف*، به کوشش سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ ق.
- ۸- بیضاوی، عبدالله بن عمر، *التفسیر*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق.
- ۹- پاکتچی، احمد و دیگران، «معناشناسی تاریخی و فرهنگی سبیل در قرآن کریم»، *مطالعات تاریخی قرآن و حدیث*، شماره ۶۵، سال ۲۵، بهار و تابستان ۱۳۹۸ ش.
- ۱۰- ثقفی، محمد، *روان جاوید*، تهران، برهان، ۱۳۹۸ ق.
- ۱۱- جوهری، احمد بن عبدالعزیز، *الصحاح*، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۴۰۵ ق.
- ۱۲- حاجی علی، فریبا، «تأملی بر آیه نفی سبیل با تأکید بر مفهوم واژه سبیل»، *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، شماره ۸، زمستان ۱۳۸۶ ش.
- ۱۳- حسینی همدانی، محمد، *انوار درخشان*، تهران، لطفی، ۱۴۰۴ ق.
- ۱۴- حویزی، عبدالعلی بن جمعه، *نور الثقلین*، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
- ۱۵- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، قم، طلیعة النور، ۱۴۲۷ ق.
- ۱۶- سجادی، سیدابوالفضل و محبی، سحر، «معناشناسی تاریخی و توصیفی واژه سبیل در قرآن کریم»، *حسنا*، سال چهارم، شماره ۱۵، زمستان ۱۳۹۱ ش.
- ۱۷- شریف لاهیجی، محمد بن علی، *تفسیر*، به کوشش جلال‌الدین حسینی محدث ارموی،

- تهران، دفتر نشر داد، ۱۳۷۳ق.
- ۱۸- صاحب بن عباد، اسماعیل، *المحیط فی اللغه*، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۱۴ق.
- ۱۹- طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان*، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۷۴ش.
- ۲۰- طبرسی، فضل بن حسن، *جوامع الجامع*، ترجمه علی عبدالحمیدی و دیگران، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵ش.
- ۲۱- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان*، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۰ش.
- ۲۲- طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان*، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
- ۲۳- طوسی، محمد بن حسن، *التبیان*، به کوشش احمد حبیب قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۲۴- طیب، عبدالحسین، *اطیب البیان*، تهران، اسلام، ۱۳۶۹ش.
- ۲۵- قرشی، سید علی اکبر، *قاموس قرآن*، تهران، اسلامی، ۱۳۵۴ش.
- ۲۶- کاشانی، فتح الله، *منهج الصادقین*، تهران، اسلامی، ۱۳۵۱ش.
- ۲۷- نحاس، احمد بن محمد، *معانی القرآن*، به کوشش محمد علی صابونی، مکه، جامعه ام القری، ۱۴۰۹ق.
- ۲۸- هاشمی رفسنجانی، اکبر، *تفسیر راهنما*، قم، جامعه مدرسین.

Bibliography

1. The Holy *Qur'an*, Original Arabic, and also the persian translation by Nāṣer Makārem Shīrāzī, Qom, The Office of History Studies and Islamic Cognitions, 1373 SAH.
2. Azharī, Muḥammad b. Aḥmad, *Tabdhīb al-Lughba*, Beirut, Dār al-Kitāb Al-‘Arabī, 2000.
3. Bayḍāwī, ‘Abdullāh b. ‘Umar, *Al-Tafsīr*, Beirut, Dār Ihyā’ al-Turāth al-‘Arabī, 1418 AH.
4. Bilādhurī, Aḥmad b. Yahyā, *Ansāb al-Asbrāf*, Beirut, Dār al-Fikr, 1417 AH.
5. Ḥājī-‘Alī, Farībā, “A Consideration of the Verse Nafy al-Sabīl with Emphasis on the Word Sabīl”, *Taḥqīqāt-e ‘Olūm-e Qur’an va Ḥadīth*, vol. 4, no. 2, November 2007, pp. 129-157.
6. Hāshimī Rafsandjānī, Akbar, *Tafsīr Rābnamā*, Qom, Būstān-e Ketāb, 1386 SAH.
7. Ḥoseynī Hamedānī, Muḥammad, *Anwār Derakhsbān*, Tehran, Loṭfī, 1404 AH.
8. Ḥuwayzī, ‘Abd ‘Alī b. Jum‘a, *Nūr al-Thaqalayn*, Qom, Esmā‘iliyān, 1415 AH.
9. Ibn Durayd, Muḥammad b. Ḥasan, *Jumbura al-Lughba*, Beirut, Dār al-‘Ilm lil-Malāyīn, 1987.
10. Ibn Hishām, ‘Abdul-Malik, *Al-Sira Al-Nabawiyya*, ed. Mustafā Saqqā et al, Beirut, Al-Maktaba al-‘Ilmīyya, 1411 AH.
11. Ibn Manzūr, Muḥammad b. Mukarram, *Lisān al-‘Arab*, Beirut, Dār Šādir.
12. Ibn Sa‘d, Muḥammad, *Al-Ṭabaqāt*, Beirut, Dār al-Kutub al-‘Ilmīyya, 1410 AH.
13. Jawharī, Aḥmad b. ‘Abdul-‘Azīz, *Al-Šīḥāḥ*, Beirut, Dār al-‘Ilm lil-Malāyīn, 1405 AH.
14. Kāshānī, Faṭḥollāh b. Shokrullāh, *Manhaj al-Šādeqīn*, Tehran, Islāmīyya, 1351 SAH.
15. Nahḥās, Aḥmad b. Muḥammad, *Ma‘ānī al-Qur’an*, ed. Muḥammad ‘Alī Šābūnī, Mecca, Umm al-Qura University, 1409 AH.
16. Pākatchī, Aḥmad et al, «Historical and Cultural Semantic Approaches to the Qur’ānic Term of al-Sabīl, *Historical Approaches to Qur’ānic and Ḥadīth Studies*, vol. 25, no. 65, September 2019, pp. 71-96.
17. Qorashī, Sayyed ‘Alī Akbar, *Qāmūs Qur’an*, Tehran, Islāmīyya, 1354

- SAH.
18. Rāghib Isfahānī, Ḥusayn b. Muḥammad, *Al-Mufradāt*, Qom, Ṭalī'a al-Nūr, 1404 AH.
 19. Ṣāḥib b. 'Abbād, Ismā'īl, *Al-Muḥīṭ fi al-Lugha*, Beirut, 'Ālam al-Kutub, 1414 AH.
 20. Sajjādī, Sayyed Abolfadl and Moḥebbī, Saḥar, "Historical Semantic Study of the word Sabīl in the Holy *Qur'ān*", *Ḥusnā*, no 15, winter 1391 SAH.
 21. Sharif Lāhījī, Muḥammad b. 'Ālī, *Tafsīr*, Tehrān, Dād Publication, 1373 SAH.
 22. Ṭabarī, Muḥammad b. Jarīr, *Jāmi' al-Bayān*, Beirut, Dār Al-Ma'rifa, 1412 AH.
 23. Ṭabarsī, Faḍl b. Ḥasan, *Jawāmi' al-Jāmi'*, Persian translation by 'Alī 'Abdolḥamidī, Mashhad, Āstān Qods Raḍavī, 1375 SAH.
 24. Ṭabarsī, Faḍl b. Ḥasan, *Majma' al-Bayān*, Tehran, Naser Khosrow, 1372 SAH.
 25. Ṭabāṭabāyī, Muḥammad Ḥusayn, *Al-Mīzān*, persian tranlation by Moḥammad Bāqer Mūsavī Hamedānī, Qom, Jamā'a al-Mudarrisīn, 1374 SAH.
 26. Ṭayyib, 'Abdol-Ḥoseyn, *Aṭyab al-Bayān*, Tehran, Islam Publication, 1369 SAH.
 27. Thaqaḥfī, Muḥammad, *Rawān Jāwīd*, Tehran, Borhān, 1398 SAH.
 28. Ṭūsī, Muḥammad b. Ḥasan, *Al-Tibyān*, ed. Aḥmad Ḥabīb Qaṣīr al-'Āmilī, Beirut, Dār Ihyā' at-Turāth al-'Arabī.